

خانواده در نظام حکمت عملی ابن‌سینا

منصوره بخشی*

مجید صادقی حسن‌آبادی**

سید مهدی امامی جمعه***

چکیده

خانواده اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و بنیادی‌ترین عنصر جامعه و بستر رشد بسیاری از ارزش‌ها است. ابن‌سینا در آثار خود، از جمله *وجوب السياسة والحاجة الى السياسة*، مستقلاً و نیز در آثار دیگر خود به این موضوع پرداخته و با رویکردی دینی‌فلسفی از ضرورت، عوامل و موانع تحکیم آن سخن می‌گوید. این مقاله، ابتدا جایگاه حکمت منزل در نظام حکمی سینوی را می‌کاود و سپس در باب عناصر اصلی و مرتبط با آن، مانند ازدواج، نحوه مشارکت زن و مرد در اداره منزل، حقوق خانواده و اصول حاکم بر سیاست منزل، سخن می‌گوید. ابن‌سینا در باب عوامل ازدواج بر انگیزه‌های اقتصادی، اجتماعی، روانی و جنسی انگشت می‌نهد و در راستای تحکیم این بنیاد بر مسئولیت مدیران و حاکمان جامعه، تلاش در جهت رفاه اقتصادی و ایجاد شغل، رشد عقلانی زوجین، جلوگیری از ازدواج‌های پنهانی و عفت خانواده تأکید فراوان دارد. در بحث از حقوق همسر و تکالیف مرد به حقوقی همچون حق نفقه، حق صیانت و حق کرامت اشاره می‌کند و مرد را مهم‌ترین تکیه‌گاه تحکیم خانواده می‌داند. در باب حق طلاق معتقد است این حق نباید در اختیار فرد متلون‌المزاج و کم‌خرد قرار گیرد. بر همین اساس لزوماً در موقعیت‌هایی این حق را از مرد سلب می‌کند.

* دانشجوی دکتری حکمت متعالیه، دانشگاه اصفهان

** دانشیار گروه فلسفه و کلام، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول: majd@ltr.ui.ac.ir)

*** دانشیار گروه فلسفه و کلام، دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۶

کلیدواژه‌ها: ابن‌سینا، خانواده، تدبیر منزل، حکمت عملی، زن، مرد.

مقدمه

بی‌شک خانواده از یک سو، اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و بنیادی‌ترین عنصر جامعه و بستر ایجاد و رشد بسیاری از ارزش‌ها است، به گونه‌ای که عموم صاحب‌نظران بزرگ خانواده را جزئی از نظام کلی جامعه و در رابطه تنگاتنگ با آن می‌دانند و تطور خانواده را در جهان می‌جویند (ساروخانی، ۱۳۸۴: ۱۵۹-۱۴۶). از سوی دیگر، خانواده همچون سایر پدیده‌های مادی و طبیعی، دست‌خوش آسیب است، آسیب‌هایی که در بسیاری از مواقع می‌تواند خطر نابودی خانواده و در نتیجه خطر تباهی جامعه را به همراه داشته باشد. به عبارت دیگر، بسیاری از مشکلات و آسیب‌های جامعه نیز مولود خانواده است. بر این اساس، از جمله مباحثی که امروزه متفکران به آن توجه دارند، «تحکیم خانواده و عوامل مؤثر در آن» است. به اعتقاد آنها، تعادل حیاتی خانواده از طریق فرآیندهای تعاملی پویایی به دست می‌آید که به حفظ و بازگردانی ثبات در دوره‌های تهدید کمک می‌کند و نهایتاً این امر از راه فعال‌شدن قواعدی به دست می‌آید که روابط را تعریف می‌کنند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۲).

ابن‌سینا مشهورترین حکیم اسلامی است که تقریباً تمامی حکمای بعد از وی، مستقیم و غیرمستقیم، تحت تأثیر تعالیم فلسفی و آرای حکمی او بوده‌اند و دست‌مایه حکمت خویش را از وی به وام ستانده‌اند، و در جای جای آثار او از حکمت عملی سخن به میان آمده است. ابن‌سینا رساله *السیاسة* خود را درباره سیاست منزل و تدبیر امور خانواده نوشته است. وی در مقام بررسی ضرورت یا وجوب تشکیل مدینه و اجتماعات بشری که از آن به «وجوب السياسة» و «الحاجة الى السياسة» تعبیر کرده است، نخست از ضرورت تأسیس خانواده یا «منزل» و فلسفه آن سخن گفته است. از منظر ابن‌سینا، خانواده از لحاظ وجودی مراتب و شئونی دارد که دربرگیرنده تمام ساحت‌های مختلف مادی و معنوی بشر است. وجه نظر ابن‌سینا در این سنت، ورود به مباحثی است که خانواده را فارغ از صیورورت و تغییر که لازمه عالم مادی است، هیچ‌گاه از عالم معقول جدا فرض نکرده است. این مطلب بر نظام عقلانی و انسان‌شناسی خاص سینیوی مبتنی است؛ انسان‌شناسی‌ای که شامل دو مرحله عقلانی و شهودی است. خانواده نخستین اجتماعی است که

بشر در آن پای می‌نهد و در آنجا است که از خودگذشتگی و تعاون را فرا می‌گیرد و برای شرکت در گروه‌های بزرگ‌تر آماده می‌شود.

نوآوری مقاله حاضر در کاربرد حکمت منزلی ابن‌سینا در تحکیم خانواده و رفع آسیب‌هایی است که امروزه در ازدواج و فرزندآوری و روابط موجود در خانواده به سبک غربی متوجه جامعه ایران شده است. مسئله اصلی این مقاله، تبیین مبانی تشکیل خانواده و عوامل تحکیم آن در نظام فکری ابن‌سینا و عرضه دلایل و مستندات دربارۀ این موضوع است. در این مطالعه، ابتدا جایگاه حکمت منزل در نظام حکمی ابن‌سینا بررسی شده و سپس به عوامل مهمی راجع به روابط موجود در خانواده و تحکیم خانواده پرداخته شده است.

۱. جایگاه حکمت منزل در نظام حکمی ابن‌سینا

در حکمت عملی، که تبیین مقدرات انسانی و بایدها و نبایدها با هدف سعادت آدمی است، از سه حوزه اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن بحث می‌شود که بر سه ساحت فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان مبتنی است (کرمانی و سلگی، ۱۳۹۲: ۳). نکته مهمی که نباید از آن غافل شد نگاه یکپارچه به انسان و اجتناب از شقه کردن او در حوزه‌های نظری و عملی است. ساحت‌های سه‌گانه مزبور را باید در سایه حکمت نظری در وجود آدمی مد نظر قرار داد تا از رشد یک‌سویه و نامتوازن و تک‌بعدی جلوگیری کرد. تکامل قوه و عقل نظری و عملی و پیمودن مشی اعتدال از نکات کلیدی است که معمولاً مطمح نظر حکمای سلف و از جمله ابن‌سینا بوده است.

علم و قدرت دو بال حکمت‌اند. اگر علمی به فعل ما وابسته بود حکمت عملی و اگر علمی به فعل ما وابسته نبود حکمت نظری خواهد بود. «فایده حکمت عملی در این است که به ما نشان می‌دهد چگونه امور این جهانی را سامان بخشیم و به جهان دیگر امیدوار شویم» (ابن‌سینا، ۱۳۸۳: ۲). روشن است که انسان منزلی بالطبع آفریده شده است و بنابراین چون زندگی خانوادگی طبیعی است سعادت واقعی انسان جز در پرتو آن تأمین نمی‌شود. وی اساس و هدف تشکیل خانواده را در تسکین، آرام‌بخشی، بقای نسل، حفظ و امانتداری مال می‌داند که جز با تشکیل خانواده میسر نیست (همو، ۱۹۸۵: ۵).

۲. مشارکت زن و مرد در تدبیر منزل

وقتی نهاد خانواده شکل می‌گیرد فردیت حداقل دو انسان، هویت جمعی جدیدی می‌یابد که سیاست منزل و اداره آن منوط به مشارکت و همدلی اعضا است. ابن‌سینا ظهور این مشارکت را در پرتو حکمت عملی مفید فایده می‌داند و می‌گوید: «فایده حکمت منزلی، داشتن مشارکتی است که باید در میان اهل یک خانواده برقرار شود تا مصالح مربوط به خانواده نظم یافته و فراهم آید» (همو، ۱۳۱۸: ۲). مشارکت زن و مرد در بردارنده امور جزئی و کلی است. مشارکت جزئی مشارکتی است که در سطح خانواده و منزل صورت می‌گیرد و مشارکت کلان آن است که در سطح مدینه تحقق پیدا می‌کند.

ابن‌سینا در مبحث مربوط به خانواده از زن به عنوان شریک و جانشین مرد در خانه یاد کرده است (همو، ۱۹۸۸: ۲۵۰). روشن است که درایت و عقل زن در خانه‌داری، و داشتن اخلاق خوب در خانواده می‌تواند در پیشرفت حیات اقتصادی خانواده مؤثر باشد، چنان‌که مسلماً ولخرجی و بداخلاقی زن از جوانب مختلف موجب بی‌نظمی و خسارت در اقتصاد خانواده و کدورت و فساد در روابط اخلاقی خانواده است.

انسان به سبب مدنی بالطبع بودن ناگزیر از روابط فردی و اجتماعی در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی است. روابط انسانی و نظم اجتماعی در جوامع بشری بستر امنیت و آرامش و رشد و نیل به کمال مطلوب انسانی است. خانواده نوعی سازمان اجتماعی کوچک است و چون نیروهای جامعه در خانواده متولد می‌شوند و پرورش می‌یابند و روابط خانوادگی زمینه‌ساز فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی افراد در جامعه است می‌توان گفت بنای جامعه بر خانواده استوار است. در واقع، سعادت جامعه در گرو پرورش صحیح و تربیت و رشد تعالی فرد در خانواده است.

ابن‌سینا ضمن تأکید بر حفظ قوانین در حوزه‌های خانواده و جامعه معتقد است متولی این حفظ، نباید در امر مدینه و منزل یک نفر باشد، کما اینکه نمی‌پسندد متولی تدبیر امور منزل همان کسی باشد که عیناً متولی امر مدینه است. ابن‌سینا ضمن توجه به این نکته، معتقد است قانون‌گذار هر دو حوزه باید یک مبدأ باشد که همان نبی و پیغمبر است. ولی در بخش اجرای قوانین بر مشارکت افراد تأکید می‌کند و از استبداد بر حذر می‌دارد (نک: همو، ۱۴۰۵: ۶-۹).

۳. ازدواج و خانواده: مبنای استحکام اجتماعی مدینه

خانواده نخستین مکتب برای اجتماعی کردن و حمایت از انسان است. وظیفه پدر و مادر در این مکتب حمایت و سرپرستی از فرزندان و تربیت شایسته آنان است. انتظار داشتن فرزندان سالم و صالح جز با خانواده‌ای سالم و صالح میسر نیست. از این رو در خانواده نباید فقط تمایلات جنسی بین زن و مرد حکم فرما باشد و وظیفه، جای هوس را بگیرد. اگر زن و مرد وظیفه خود را در تربیت فرزندان به درستی انجام دهند کودکان ایشان محیط مساعدی برای رشد و تربیت در خانواده دارند. قرآن مجید خانواده را بر سه اصل استوار می‌داند: ۱. آرامش؛ ۲. عشق؛ ۳. مهربانی. در یکی از آیات قرآن به هر سه اصل به طور هم‌زمان اشاره شده است: «و من آیاته ان خلق

لکم من ازواج لیسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة» (روم: ۲۱). در این آیه به دوستی، تفاهم متقابل و تعاون با عشق در روابط اجتماعی درون خانواده اشاره شده است. نکته مؤکدی که مایه ماندگاری در روابط زن و شوهر از یک طرف و میان آنان با فرزندان خود می‌شود، عشق است. در واقع، عشق میان زن و شوهر و همچنین والدین با فرزندان باعث می‌شود مفهوم فداکاری و ایثار معنا پیدا کند و اعضای خانواده از هر گونه فداکاری دریغ نکنند. یکی از نشانه‌های الهی این است که هر فردی برای خود جفتی از نوع خود انتخاب کند تا توالد و تناسل صورت گیرد. همچنین، آنها به گونه‌ای آفریده شده‌اند که محتاج یکدیگرند تا از طریق هم به کمال و آرامش برسند و این همان میل و کشش درونی است که خداوند در وجود دو نفر قرار داده است.

ابن سینا یکی از بنیادهای مهم زندگی را ازدواج زن و مرد می‌داند که با آن پیوند، بنیاد اصیل خانواده شکل می‌گیرد. ابن سینا در کتاب *شفاء*، ازدواج را «برترین رکن مدینه» توصیف می‌کند: «افضل ارکان المدینة و هو التزوج» (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۴۴۸). پس ازدواج یکی از وظایف مهم زندگی بشر است که فواید و نتایج گوناگونی دارد. بر همه لازم است برای انجام دادن وظیفه به این کار اقدام کنند و از فواید و نتایج آن بهره‌مند شوند. هر کس را مطابق فهمش می‌توان به انجام دادن این وظیفه و استفاده از فواید مهمش وادار کرد. ابن سینا برای دستیابی به جامعه‌ای صالح و تربیت فرزندان شایسته ازدواج را مهم تلقی می‌کند.

۳. ۱. انگیزه و آثار ازدواج از نظر ابن‌سینا

وی در آثار خود انگیزه‌هایی را برای ازدواج ذکر می‌کند که اهم آن چنین است:

انگیزه اقتصادی: به عقیده ابن‌سینا، انسان برای حفظ دارایی خویش و ذخیره آن برای ایام نیازمندی به مسکن و بیت نیازمند است و این همسر است که می‌تواند در این امر همراه و شریک مناسبی به شمار آید. از این‌رو درباره ویژگی‌های زن شایسته می‌گوید: «زن شایسته شریک مرد، نگهبان مال او و جانشین وی در منزلش و امین او در تربیت فرزندانش است» (همو، ۱۹۸۸: ۲۵۰).

انگیزه اجتماعی: به نظر ابن‌سینا، «فرزندی نیاز است تا به هنگام ناتوانی و به حال پیری یاور پدر و مادر باشد و نسل ایشان را تداوم بخشد و یاد ایشان را پس از مرگ زنده بدارد» (همو، ۱۳۴۷: ۱۲). وی به علت همین نقش مهم اجتماعی، از ازدواج با عنوان برترین رکن مدینه یاد می‌کند (همو، ۱۳۶۳: ۴۴۸).

انگیزه محبت و آرامش: ابن‌سینا عشق و محبت قبل از ازدواج را فاقد دوام دانسته و مدعی است هر چه از طول زندگی مشترک زوجین بگذرد، باید بر میزان عشق و محبت آنها به همدیگر افزوده شود نه اینکه کاستی گیرد و رو به خاموشی گراید. به عبارت دیگر، از نگاه ابن‌سینا، زن و مرد باید با یکدیگر زندگی مشترک داشته باشند تا در طول آن، با هم انس بگیرند و همین الفت باعث شود آنها یکدیگر را مایه آرامش هم بدانند و محبتی که در آغاز داشتند هر روز فزونی گیرد، نه اینکه روزبه‌روز از فروغ آن کاسته شود و حتی بعضاً به طلاق عاطفی بینجامد.

به نظر او سکون و آرامش درونی نیز در سایه ازدواج و گزینش همسر پدید می‌آید. در این نکته تأثیرپذیری ابن‌سینا از قرآن کاملاً روشن است، متن سخن او چنین است: «نفس انسان آرامش نمی‌یابد مگر با همسری که خداوند او را برای مرد آرام‌بخش قرار داده است» (همو، ۱۳۴۷: ۱۱).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، وی همان واژه «سکن» را که در قرآن آمده به کار برده است (روم: ۲۱).

انگیزه رفع نیاز جنسی: اگرچه ابن‌سینا ازدواج را مقدس می‌داند و برای انگیزه‌های معنوی و اجتماعی نقش اساسی در آن قائل است، اما معتقد است شهوت جنسی، نیازی طبیعی است که

۱. «ان المرأة الصالحة شريكة الرجل في ملكه و قيمته في ماله و خليفته في رحله و امينه في تربية اولاده».

۲. «ولم تسكن نفسه الا الى الزوج التي جعلها الله للرجل سكنا».

باید برآورده شود، هرچند ارضای این نیاز فقط باید از طریق نهاد ازدواج صورت گیرد و هر راه دیگری جز ازدواج که نیازهای جنسی را برآورد، مثل زنا و لواط، باید ممنوع شود. زیرا این امور افراد را از مهم‌ترین رکن مدینه، یعنی ازدواج، مستغنی می‌کند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴: ۴۴۸).

۳. ۲. لزوم استحکام خانواده و الزامات ازدواج از نگاه ابن‌سینا

ابن‌سینا در راستای تحکیم بنیاد خانواده و ازدواج اصرار دارد که قانون‌گذار الهی باید بر دوام و استمرار این پیوند تأکید ورزد تا همسران با هر امر جزئی و سبک دچار جدایی نشوند که در نتیجه موجب پریشانی والدین و فرزندان و نهایتاً باعث جدایی یا تجدید نیاز انسان به مزاجت گردد (همان: ۴۴۹). به طور قطع در شریعت اسلام تأکید بر دوام و استمرار کانون خانواده است. ولی علی‌رغم تأکید بر جدانشدن زن و مرد، در وضعیت‌های استثنایی طلاق توصیه می‌شود. فلاسفه مسلمان، از جمله ابن‌سینا، معتقدند شارع و قانون‌گذار باید راهی را برای آن باز کند؛ چراکه گاه سرشت آنها به گونه‌ای است که به هیچ وجه امکان سازش و الفت با همدیگر ندارند و ادامه زندگی در چنین خانواده‌ای جز شر و عذاب، حاصل دیگری ندارد.

ابن‌سینا به الزاماتی که می‌تواند باعث تداوم و استحکام این نظام باشد توجه داده است، از جمله:

۳. ۲. ۱. تلاش مسئولان و مدیران جامعه در ترویج ازدواج و قانونی‌شدن آن

حاکم باید مردم را به ازدواج ترغیب و تشویق کند. وی می‌گوید:

نخستین موضوعی که شارع و قانون‌گذار باید درباره آن قانون‌گذاری کند ازدواج است که منجر به حفظ نسل می‌شود و مردم را به انجام‌دادن آن ترغیب و تشویق کند، چراکه بقای نوع بشر وابسته به آن است و بقای نوع بشر دلیل خداوند متعال است. باید وقوع ازدواج آشکار باشد تا شبهه‌ای در نسب و خویشاوندی به وجود نیاید و موضوع انتقال میراث که پایه اموال در مدینه است، آسیب نبیند (همو، ۱۴۰۴: ۴۴۸).

۱. و تحرم ایضاً الافعال التیان وقع فیها ترخیص ادى الى ضد ما علیه بنا امر المدینة، مثل الزنا واللواط، الذى يدعو الى الاستغناء عن افضل ارکان المدینة و هو التزوج.

به نظر او، مدبران امور مدینه باید مردم را به ازدواج تشویق و دعوت کنند (همو، ۱۹۸۵: ۱۹۸). اولین چیزی که قانون‌گذار باید به صورت قانون و سنت درآورد، ازدواج است. با شروع شناخته‌شدن ازدواج هر گونه ارتباط جنسی خارج از محدوده ازدواج نامشروع شناخته خواهد شد (همان).

۳.۲.۲. جلوییگری از ازدواج‌های پنهانی

ابن‌سینا معتقد است با توجه به اهمیت خانواده که «تناسل» و بقای نوع بشر وابسته به آن است، باید قوانین مدینه در این باره کاملاً روشن باشد و جلوی هر گونه ازدواج پنهانی و غیررسمی گرفته شود. ابن‌سینا به مسئله مهمی توجه کرده که امروزه در جوامع بشری عامل مهم سلب اعتماد همسران از یکدیگر و در نتیجه سست شدن بنیادهای خانواده می‌شود. ازدواج باید به صورت علنی صورت گیرد. زیرا این امر از وقوع تردید در نسبت و نیز اختلال در انتقال میراث اشخاص جلوگیری می‌کند. این مطلب در نصوص نبوی نیز آمده است که: «اعلنا النکاح ولو بالدف» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱۰۳: ۲۷۵). ابن‌سینا با ذکر این نکته که «و لانکاح الا بالشهود» (ازدواج باید در حضور شهود باشد)، بر علنی‌بودن ازدواج تأکید می‌کند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴: ۴۴۸).

۳.۲.۳. رشد عقلانی و جسمانی

ابن‌سینا سن معینی برای ازدواج توصیه نمی‌کند. به نظر وی، زمان مناسب وقتی است که فرد به بلوغ جسمی رسیده و رشد عقلی لازم برای اداره زن و فرزند را به دست آورده و از نظر اقتصادی شغل و درآمد لازم برای معاش خانواده را فراهم کرده است.

۳.۲.۴. تشکیل زندگی مستقل و انتخاب حرفه

به نظر ابن‌سینا، فرزندان پس از ازدواج باید از والدین جدا و مستقل زندگی کنند. وی می‌گوید: «هنگامی که فرزند با شغل خویش درآمدی به دست آورد، تدبیر آن است که ازدواج داده شود و از خانواده‌اش جدا گردد» (همو، ۲۰۰۷: ۸۸). همچنین، درباره انتخاب شغل و حرفه ضمن تقسیم

۱. «و ان يدعو الیه و یحرّض علیه».

۲. «اول ما یجب ان یشرع فیه هو امر التزوج».

۱. فاذا کسب الصبی بضاعته فمن التذیر ان یزوج و یفرد رحله.

صناعات به صنعت از روی عمل، صنعت از ناحیه ادب و صنعت یدی، تأکید می‌کند که مرد باید در اتخاذ صناعات، اقتضائات و امور ذیل را رعایت کند:

۱. بنیان آن را باید بر پایه‌ای محکم قرار دهد.
۲. بکوشد از روی استحقاق، و به اصول عفت نزدیک‌تر باشد و از شره و حرص بپرهیزد.
۳. مالی که به صفا به دست می‌آید و به آسانی تحصیل می‌شود، سودمندتر و پُربرکت‌تر است.
۴. مال را باید به مقتضای سیرت عادلانه صرف کند و قسمتی از آن را در زکات، صدقات، ابواب مفروضه و مصالح خیریه خرج کند و قسمتی را برای روز مصیبت ذخیره کند (همو، ۱۴۰۲: ۹۴).

۳.۲. ۵. اشتراکی نبودن زن

ابن سینا، به پیروی از تعالیم اسلامی، اشتراکی بودن زنان را موجب ننگ و بدنامی و بروز فساد و خسارت‌های ناگوار می‌داند. وی در این خصوص از بعضی فلاسفه یونان باستان، مثل افلاطون، که نظر به اشتراک زنان و فرزندان داده‌اند، پیروی نکرده است (همو، ۱۳۶۳: ۴۵۰).

۴. صفات همسر شایسته از نگاه ابن سینا

ابن سینا به ویژگی‌های مطلوب برای زن اشاره می‌کند که اغلب از متون اصلی دین اسلام برگرفته شده است. وی زن شایسته را شریک مرد، نگهبان مال او و جانشین مرد در منزل و امین تربیت فرزندان می‌داند و معتقد است زن باید عفت و عصمت داشته باشد و از این صفت محافظت کند^۲ (همو، ۲۰۰۷: ۷۹). زن خوب و صالح، شریک ملک و زندگی مرد و قیم مال وی و جانشین او در دخل و خرج است. بهترین زنان زنی است که خردمند، دیندار، باحیا، باهوش، بامحبت، بچه‌زا، کم‌حرف، مطیع، خیرخواه شوهر، پاکدل، در غیاب شوهر امانتدار، وزین، سنگین و با وقار، باهبت و در خدمت شوهر، فروتن و باتدبیر باشد و با صرفه‌جویی، کم شوهر را افزون کند و با اخلاق پسندیده‌اش اندوه شوهر را بزدايد و با لطف و مدارا و نزدیکی به شوهر، غم‌های وی را تسلا بخشد.

۱. والاشتراک فیها یوقع انه و عارا عظیما، و هی من المضار المشهور، والاشتراک فی الرجل لا یوقع عارا بل حسدا، والحسد غیر ملنفت الیه فانه طاعة الشیطان.

۲. و خیر النساء العاقلة الدینة الحیة الفطنة الولود القصیرة اللسان المطاوعة العنان الناصحة الجیب الامینة الغیب الرزان فی المجلس الوقور فی هیبتها المهیبة فی قامتها الخفیفة المبتدلة فی خدمتها لزوجها تحسن تدبیرها و تكثر قلیله بتقدیرها و تجلو احزانها بجمیل اخلاقها و تسلی همومه بلطف مداراتها.

۵. اصول سیاست مرد در خصوص زن و خانواده

نقش زنان در نظام خانواده و جامعه و نیز کارآیی آنها در بهبود روابط انسانی انکارناپذیر است. از این‌روی اسلام از همان روزهای آغازین بیش از هر آیین و مکتبی به دختران و زنان توجه داده، و با تعریف جایگاه زن در نظام خلقت زمینه را برای بروز استعدادها و توانمندی‌های آنان بیش از هر زمانی مساعد کرده است.

سیره پیامبر ﷺ، امامان معصوم علیهم‌السلام و سخنان و سفارش‌های آنان راجع به ارزش و منزلت زن و همچنین نقش‌آفرینی زنان مسلمان در حوادث تاریخی اثبات‌کننده این نظریه است که اسلام برای وجود زن، موقعیت ویژه‌ای قائل شده و به همین دلیل دستورهای ویژه‌ای نیز برای آنان وضع کرده است. گذشته از میراث رسیده به ما از منابع وحی راجع به منزلت و نقش زنان در جامعه، متفکران بزرگ اسلامی نیز هر گاه به مباحث مربوط به خانواده رسیده‌اند حقوقی را برای زنان تعریف و تبیین کرده‌اند که نشان می‌دهد این قشر عظیم انسانی، منشأ بسیاری از تصمیمات و تحولات اجتماعی هستند.

۵.۱. حقوق زن

وقتی انسان‌ها با خروج از حوزه فردی خود دست به تشکیل اجتماع می‌زنند و انانیت خود را به «ما» تبدیل می‌سازند حقوق و تکالیفی بر یکدیگر بار می‌کنند که قطعاً قوام و پایداری آن اجتماع منوط به رعایت آن حقوق و تکالیف است. اولین و کوچک‌ترین واحد اجتماع، خانواده است که با حضور زن و مرد و فرزندان تشکیل می‌گردد. خانواده برای استحکام و مداومت نیاز به قانون و مراعات حقوق و تکالیفی دارد که انسان‌ها موظف به آنند. این‌سینا در جای‌جای آثار خود، که ملهم از تعالیم اسلامی نیز هست، به نمونه‌هایی اشاره کرده است. وی حقوقی را بر زن بار می‌کند که مسلماً تکالیفی نیز در ازای این حقوق بر او ایجاد می‌شود. از جمله این حقوق و تکالیف مطرح‌شده عبارت است از:

۵.۱.۱. حق نفقه

از منظر حقوق اسلامی، مخارج زن بر عهده شوهر است. وی موظف است کلیه نیازهای متناسب با همسرش، نظیر خوراک، پوشاک و مسکن را تأمین کند. در تعریف نفقه شئون و حیثیت و

موقعیت اجتماعی زن محل توجه قرار گرفته است که همین نکته سطح وظیفه مرد را تعیین می‌کند که باید در حد متعارف و متناسب با شأن زن نیازهای مادی او را تأمین کند. امروزه اقتصاد خانواده از مسائل مهم در حوزه مباحث اجتماعی اقتصادی و از ملاک‌های مهم تقویت ارکان نهاد خانواده است. توانایی اقتصادی مرد در تأمین مخارج زندگی و نیز کفویت اقتصادی زن و مرد از شاخصه‌های اساسی است که در بدو زندگی باید مطمئن نظر طرفین قرار گیرد. بسیاری از مشاجره‌ها و نزاع‌های خانوادگی امروزی ناشی از بی‌برنامگی اقتصادی و فقدان تمکن و توانایی رئیس خانواده در تأمین نیازها است که موجب از هم پاشیدگی برخی خانواده‌ها می‌شود. در نگاه فلاسفه مسلمان، مرد به عنوان رئیس منزل نقش رهبری دارد. از این رو ابن سینا تدبیر مرد در اصلاح نفس را بیان می‌کند و چون مرد وظیفه تأمین مخارج زندگی را دارد، تدبیر دخل و خرج را می‌کاود. وی ابتدا مردم را به دو دسته تقسیم می‌کند: دست نخست کسانی که به واسطه ارث از کسب بی‌نیازند؛ و دست دوم، آنهایی که نیازمند کسب‌اند. این دسته نیز به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ اهل تجارت و اهل صنعت که البته اهل صنعت پایدارتر و باثبات‌ترند (همو، ۱۴۰۲: ۹۳).

مرد به عنوان رئیس خانواده مسئول اقتصادی و تأمین مخارج همسر و فرزندان است. ابن سینا در آثار خود، از جمله در *شفاء*، به این نکته پرداخته است: «وجوب نفقة بعض علی بعض» (همو، ۱۳۶۳: ۴۴۹). وجوب خرج و نفقه زن بر مرد و خرج و نفقه فرزندان تا بزرگ شوند از آثار و لوازم شرعی و عرفی نسبت موجود و محقق بین این اشخاص از نظر ابن سینا است. وی درباره خرج و نفقه زن می‌گوید:^۱

خرج و نفقه زن بر عهده مرد است. مرد باید متکفل مخارج زن باشد و در عوض این خرج و تکفل، مرد هم صاحب اختیار زن است و زن به مرد اختصاص دارد و نمی‌تواند با دیگری ازدواج کند، یا دیگری را به خود راه دهد (همان: ۴۵۰-۴۵۱).

۱. فلیزیم الرجل نفقتها؛ لکن الرجل یجب ان یعوض من ذلک عوضا، و هو انه یملکها و هی لا تملکه، فلا یکون لها ان تنکح غیره.

۵. ۱. ۲. خانه‌داری بهترین مشغولیت برای زن در حکمت عملی سینیوی

یکی از نکات محل توجه در زندگی اجتماعی و فردی که بعضاً مشکلات متعددی به بار می‌آورد بیکاری و نداشتن مشغولیت‌های مثبت و مفید است که فارغ از مباحث اقتصادی و مادی، گهگاه به بی‌هویتی و پرداختن به امور بیهوده منجر می‌شود. لذا کار و مشغولیت، فی‌نفسه ارزشمند است و جوهره آدمی را از هرزرفتن و ورود به اوهام و بی‌هویتی باز می‌دارد. امروزه یکی از معضلات بشری بیکاری است. فرد بیکار صرفاً از منافع مادی کار محروم نمی‌شود بلکه بیکاری منجلابی است که مصائب متعددی را به دنبال خود می‌آورد. خروج از واقعیت و روی‌آوری به اوهام و خیال‌پردازی‌های واهی و بالتبع پوچی‌گری، بی‌هویتی، پرداختن به امور غیرواقعی از جمله تبعاتی است که نتیجه مستقیم و غیرمستقیم این معضل است.

به نظر می‌رسد ابن‌سینا صرف مشغولیت خانه‌داری را برای زن، صرف‌نظر از مباحث و نتایج اقتصادی، توصیه می‌کند. ضرورت این نکته امروز به‌شدت احساس می‌شود. پناه‌آوردن بسیاری از انسان‌ها به فضاهای موهوم مجازی و فاصله‌گرفتن از واقعیات از مسائل مهم امروز است. ابن‌سینا خانه‌داری را برای زن به مثابه شغل می‌داند، بلکه آن را به عنوان حقی مطرح می‌کند که تکلیف ایجاد آن به عهده مرد است. وی در کتاب *تدابیر المنازل او السياسات الاهلیة* می‌گوید:

شوهر باید زن را دائماً به امور خانه‌داری و تربیت و اداره فرزندان مشغول کند تا اوقات فراغت زن به اموری که ممکن است به روابط سالم آسیب رساند، صرف نشود، در غیر این صورت ممکن است زن به زینت و آرایش برای مردان بیگانه پردازد و در نتیجه احترام متقابل زن و مرد از میان برود (همو، ۱۳۴۷: ۳۲-۳۸).^۱

بر اساس نقل فوق، ابن‌سینا معتقد است مرد باید خاطر و ذهن زن را به کاری بگمارد و او را مشغول کند؛ چراکه اگر زن بیکار باشد بر اساس استعداد جمال‌طلبی و خودنمایی‌اش به آرایش و پیرایش و تبرج می‌پردازد و طبیعتاً هم و غم وی صرف این امور می‌شود و از هدف اصلی که

۱. در کتاب *السیاسة* نیز می‌گوید: «و اما شغل الخاطر بالمهم فهو ان يتصل شغل المرأة بسياسة اولادها و تدبير خدمتها وتفقد ما يضمنه خدورها من اعمالها فان المرأة اذا كانت ساقطة الشغل خالية البال لم يكن لها هم الا التصدي للرجال بزینتها والتبرج بهياتها ولم يكن لها تفكير الا في استزادتها فيدعوها ذلك الى استصغار كرامته و استقصار زمان زيادته و تسخط جملة احسانه» (همو، ۱۹۸۵: ۱۳).

مستحکم کردن بنیاد خانواده است غافل می شود. تکفل مهمات منزل و نظر به مصالح آن بهترین مشغولیت برای زن است. خانه داری از دید ابن سینا شغل مهمی است. آنچه از نظر نباید دور داشت نگاه مردسالارانه ابن سینا به زندگی زناشویی است. در عبارات فوق، مرد مدیر و مدبر خانواده است. او است که نقش فعال در اداره، تدبیر، اشتغال و سرگرم کردن خانواده و همسر را دارد و گویی زن منفعل محض است.

۵. ۱. ۳. حق صیانت

زن علاوه بر حق برخورداری از نفقه، با توجه به بافت و شخصیت وجودی اش، که معمولاً از مرد ضعیف تر است، در برابر حوادث آسیب پذیر است. آسیب ها اعم از جسمی و روحی روانی است. زن ها معمولاً از احساسات لطیف و شعله وری برخوردارند که در مواجهه های اجتماعی گهگاه باعث می شود در قضاوت ها و حب و بغض ها تحت تأثیر عواطف و احساسات قرار گیرند.

احساسات و عواطف شدید قطعاً مسبوق به حکمت الاهی است تا تربیت و فرزندداری را تسهیل و وجود زن را مکمل وجود مرد کند که معمولاً از این حوزه کم بهره یا محروم اند. ابن سینا معتقد است برای زندگی سعادت مندانه باید عاقلانه زیست. بر قلمرو وجود آدمی و بالطبع خانواده و جامعه اولویت حاکمیت با عقل است. مرد باید حافظ این حاکمیت باشد و جایگاه عقل را در زوایای زندگی محافظت کند. امروزه یکی از آسیب های موجود در خانواده ها فریب هایی است که افراد شیاد عارض خانواده ها می کنند که به دنبال خود دلدادگی های نامتعارف و خیانت های دور از مروت را به همراه می آورد. ابن سینا چون از حق صیانت زن و تکلیف مرد بر تحقق آن سخن می گوید بر این نکته انگشت می نهد. در کتاب *شفاء* آورده است:^۱

از جمله حقوق زن صیانت و حفظ او است که مرد وی را از فریب و خیانت دیگران مصون بدارد. زیرا زن در شهوت با مرد شریک است و جداً جالب توجه بوده مردها را به سوی خود می خواند و با این وصف زود هم فریب می خورد و کمتر فرمانبر عقل است (همو، ۱۳۶۳: ۴۵۰).

در اینجا ابن سینا نگره داری زن را از وظایف مرد به شمار می آورد. خیر و سود تأمین مصالح زندگی زناشویی و خانوادگی وابسته به انجام دادن این وظیفه مهم است. درباره زن معتقد است

۱. و لما كان من الحق المرأة ان تصان، لانها مشتركة في شهوتها و داعية جدا الى نفسها، و هي مع ذلك اشد انخداعا، و اقل للعقل طاعة.

زود فریب می‌خورد و کمتر به عقل توجه می‌کند و این نکته هم دید منفی‌ای است که وی به زن دارد و شخصیت زن را فاقد ارزش‌های انسانی می‌داند.

۵. ۱. ۴. حق احترام و کرامت

احساس ارزش و کرامت یکی از صفات بارز انسانی است که از فطرت الاهی وی سرچشمه می‌گیرد. استخفاف انسان‌ها و توهین به کرامت آدمیان باعث تزلزل و ریزش کاخ شخصیت آنها می‌شود. کسانی که معمولاً در معرض وهن و خفت و بی‌احترامی مدام قرار می‌گیرند به مرور به موجوداتی تبدیل می‌شوند که دیگر مکارم انسانی از آنها متوقع نیست. اینکه در روایات آمده است که امام علی علیه السلام فرمودند: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَوَاتُهُ؛ کسی که نفس خود را گرامی بدارد، شهوات و خواست‌های نفسانی در پیش او حقیر و بی‌ارزش خواهد بود» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۴۹)، حاکی از آن است که لبریزکردن انسان‌ها از کرامت و ارزش، بستر مبارکی است که کرامت‌های اخلاقی را به دنبال می‌آورد و ردایل را دور می‌کند. ابن‌سینا درباره تکریم همسر می‌گوید از جمله منافع تکریم مرد بر همسر آن است که آزادزنی باکرامت وقتی تحت پوشش کرامت همسرش قرار می‌گیرد، استمرار آن کرامت و حمایت او از زن و ترس زن از زوال آن، وی را به امور متعدد بسیاری فرا می‌خواند که مرد جز از این طریق قادر به اداره زن نیست و ترک آن تکلف شدید و هزینه (مئونه) سنگینی در پی خواهد داشت^۱ (ابن‌سینا، ۲۰۰۷: ۸۰). وی در این عبارات در رابطه مرد و زن بر این نکته تأکید می‌کند و به عنوان وظیفه‌ای برای مرد به تکریم و تعزیز زن اشاره می‌کند و می‌گوید زن دوست دارد عزیز باشد. مرد باید زن را بزرگ بدارد و او را تکریم کند. زن هم در مقابل، وقتی کرامت مرد را دید، در حفظ و تداوم آن می‌کوشد و در نتیجه احترام و تکریم متقابل میان زوجین حاکم می‌شود. ابن‌سینا معتقد است راه اداره زن همین است و اجبار و تهدید ره به جایی نمی‌برد (همان).

نتیجه: اگر می‌خواهی زن به تو احترام بگذارد تو هم به او احترام بگذار (همان). در اینجا هم منفعت تکریم مرد، به زن هم تعلق می‌گیرد. یعنی چون مرد احترام می‌خواهد باید برای حفظ احترامش

۱. اما کرامة الرجل اهله فمن منا فعها ان الحرة الکریمه اذا استجلت کرامة زوجها دعاها حسن استدامها لها و محاماتها عليها و اشفاقها من زوالها الی امور کثیرة جمیلة لم یکد الرجل یقدر علی اصارتها الیها من غیر هذا الباب الا بالتکلف الشدید والمئونة الثقیلة.

به زن احترام بگذارد. احترام به زن میزان امیدواری وی را به زندگی افزایش می‌دهد و او را در انجام‌دادن وظایف همسری راغب‌تر می‌کند. سخنان محبت‌آمیز، رفتارهای همراه با متانت، خوب گوش‌دادن به او و اهتمام به خواسته‌هایش از جمله جلوه‌های احترام و تکریم است. احترام به همسر قطعاً به ایجاد فضای آرام در خانواده می‌انجامد که همچون مدرسه‌ای احترام‌فرزندان به دیگران را آموزش می‌دهد. در خانواده‌هایی که این جوهره آسیب‌ببیند قسمت‌ها و ابعاد دیگر آن نیز دچار مشکل می‌شود.

۵.۲. مرد و اعمال مهابت و هیبت

تحقق حقوق و تکالیفی که ذکر شد قطعاً لوازمی را می‌طلبد که اگر نباشد تحقق امور مذکور مشکل می‌نماید. زن باید از شوهرش ترس داشته باشد؛ چراکه در غیر این صورت از شوهرش اطاعت نمی‌کند و تا جایی پیش می‌رود که شوهرش را مقهور و مطیع خود می‌کند و خودش فرمانروا می‌شود. در نگاه ابن‌سینا، اگر جای آمر و مأمور و ناهی و منهی عوض شود انقلاب و انتکاسی روی می‌دهد که نتیجه آن نابسامانی زندگی است که در این صورت وای بر مرد (همو، ۱۹۸۵: ۱۲)؛ چراکه در این حالت هیبت مرد دست‌خوش زوال می‌شود. هیبت در واقع همان جرزه مدیریت است که اگر هیبت مدیر در هر قلمرویی شکسته شود امر او نیز مطاع نخواهد بود. هیبت به دنبال خود نوعی ترس زیردستان را هم می‌آورد که اساس تدبیر مرد در خانواده است، نواقص را تکمیل می‌کند و نقاط ضعف را می‌پوشاند و بدون آن روابط زن و شوهر بر اساس صحیحی استوار نیست. هیبت شوهر به همسر آن است که مرد احترام خویش را در خانه حفظ کند، از دین و مروت خویش پاسداری کند و به وعده‌هایش پای‌بند باشد. «اگر مرد در برابر همسرش از هیبت و احترام لازم برخوردار نباشد، زن وی را کوچک می‌شمرد و به فرمان او وقعی نمی‌نهد و در نهایت زن مدیر و مدبر خانواده می‌شود» (همو، ۲۰۰۷: ۷۹). ابن‌سینا این وضعیت را نکوهش می‌کند. زیرا معتقد است زن نمی‌تواند مدیر و رئیس خانواده باشد (همو، ۱۴۰۴: ۴۴۹؛ همو، ۱۹۸۵: ۷). ابن‌سینا همچنان که بر تکریم مرد بر اهل و زندگی تأکید کرد بر تلفیق مهر و قهر نیز انگشت می‌گذارد و معتقد است در اداره زندگی هیبت و صلابت مرد نیز باید محفوظ بماند (همو، ۲۰۰۷: ۸۰).

۵.۳. طلاق و جدایی

ابن‌سینا با تأکید فراوان بر محبت و الفت در خانواده و استمرار پیوند خانوادگی، طلاق را به صورت استثنایی و با شرایطی سنگین به پیروی از شرع مقدس اسلام می‌پذیرد. به نظر وی، باید تا حد ممکن برای صلح و سازش میان زوجین کوشید و فقط زمانی به جدایی رضایت داد که امیدی به سازش آنها نباشد. ابن‌سینا از این نکته غافل نبوده است که گاه عمل به تعهدات و از جمله عقد نکاحی که بین زوجین بسته شده، برای ادامه حیات خانوادگی کافی نیست و آنها باید از هم جدا شوند. او برای این مطلب چند دلیل اقامه می‌کند، از جمله: کفویت‌نداشتن زوجین، عقیم‌بودن یکی از آن دو، فقدان احساس خوش‌بختی و رضایت خاطر آنها از یکدیگر. اما این نکته را نیز یادآور می‌شود که نباید اجازه داد به سبب دلایل بیهوده طلاق رخ دهد. زیرا موجب آسیب‌رساندن به فرزندان می‌شود و حتی در ازدواج مجدد مرد و زن نیز اختلال ایجاد خواهد کرد (همو، ۱۴۰۴: ۴۴۹). ابن‌سینا معتقد است اختیار طلاق نباید به دست زن قرار گیرد، اما یکی از نکات مثبتی که به آن توجه دارد این است که حق طلاق را لزوماً به مرد واگذار نمی‌کند و با این قول، تفکری را نفی می‌کند که زن را، از لحاظ عقلی، نسبت به مرد در مرتبه کمتری می‌بیند. وی معتقد است اختیار طلاق هرگز نباید به دست همسری قرار گیرد که از لحاظ عقلی ناقص‌تر است و ثبات قدم و قدرت تصمیم‌گیری ندارد و دچار تلون مزاج است، بلکه در چنین موقعیت‌هایی باید مسئله به حاکم و قاضی ارجاع شود و در صورت لزوم و تشخیص ناممکن‌بودن سازش حکم به جدایی کند. ابن‌سینا به این مطلب توجه دارد که در این میان ممکن است مرد یا زن نسبت به دیگری انقص‌العقل (سست‌عقل) باشد و چنین نیست که لزوماً مرد از زن عاقل‌تر و کامل‌تر باشد (همان: ۴۵۰).

۶. وظایف مرد نسبت به فرزندان

ابن‌سینا نهادن نام نیک و انتخاب دایه‌ای دانا را از جمله حقوق فرزند می‌داند و معتقد است فرزند را باید با اخلاق نیکو و صفات و عادات پسندیده آشنا کرد (همو، ۱۴۰۲: ۱۰۱). وی درباره ادب‌کردن فرزند استفاده از همه وسایل، حتی تنبیه بدنی را جایز می‌داند. تنبیه باید نخستین بار کم ولی دردناک

۱. فأمّا انقص الشخصین عقلاً و اکثرهما اختلافاً واختلاطاً و تلوناً، فلا يجعل فی یدیه من ذلک شیء، بل يجعل الی الحکام، حتی اذا عرفوا سوء صحبته تلحقا من الزوج الآخر، فرقوا.

باشد و البته بعد از ترسانیدن شدید و وجود شفیعیان باشد (همان). ابن سینا معتقد است پس از اینکه وجود فرزند، مستعد فراگرفتن علم و ادب شد باید به او علم و ادب آموخت و آموزگار وی باید دانشمند، دیندار، پاکدامن و بامروت باشد و در حین آموزش، خود مسائل معاشرتی را رعایت کند و بتواند فردی مؤثر در فراگیری باشد و در آموزش نرم‌خویی و سخت‌گیری را در هم آمیزد. وی مواد آموزشی را در دو بخش خلاصه می‌کند: نخست، آموزش قرآن و تلقین نشانه‌های دین و اصول و قواعد زبان؛ و دوم، توجه به آموزش هنر و صنعت برای به دست آوردن مال و وسیله معیشت با توجه به ذوق و استعداد دانش‌آموزان (همان: ۱۰۴). پس از فراگیری حرفه و صنعت باید فرزند را به تأمین زندگی خود واداشت تا هم در تکمیل حرفه‌اش بکوشد و هم به طلب معاش عادت کند. مقتضای تدبیر این است که پسر وقتی به کسب معاش از صنعت خود موفق شد برایش زن بگیرند و خانه‌اش را جدا کنند تا بازیچه شهوات نشود (همو، ۱۳۱۹: ۴۹ و ۵۰).

۷. تدبیر مرد درباره خدمتکاران

فلاسفه اسلامی به حضور خدمتکاران و کارگران در منزل، و حقوق و وظایف آنها نیز توجه داشته‌اند. ابن سینا می‌گوید:

فایده خدمتکار این است که به منزله اعضا و جوارح بدن انسان است. پس فایده آن بسیار مهم است. پس سزاوار است که خدا را حمد کنی در مقابل این نعمت، و شایسته است که آنها را به خود نزدیک کنی و تفقد کرده و با رفق و مدارا رفتار کنی و تنگ‌نگیری. زیرا آنها نیز انسان‌اند و خسته می‌شوند و سستی و پیری بر آنها عارض می‌شود و حواجی طبیعی دارند (همو، ۱۴۰۲: ۱۰۷).

وی پیشنهادهایی برای انتخاب خدمتکار می‌دهد، از جمله امتحان و بررسی رفتار خدمتکار برای شناخت بیشتر وی، شناخت هوشمندانه از روی وجنات و قیافه خدمتکار (نک: همان: ۱۰۸-۱۰۹). خدمتکار را متناسب با شایستگی و استعداد انجام‌دادن کاری خاص باید به آن کار واداشت و از جابه‌جایی وی به کارهایی که استعداد و توان انجام‌دادنش را ندارد باید پرهیز کرد؛ چراکه به کار و توان وی ضرر می‌زند. اگر خطایی در کار وی دیده شد به او تذکر داده شود و کارش از وی گرفته نشود و مشمول عفو قرار گیرد. در چنین مواقعی سعه صدر لازم است. صاحب منزل با خدمتکاران از روی وقار و جوانمردی، مهربان و دوست باشد؛ چراکه طرفداری خدمتکاران را در پی خواهد داشت و در

انجام‌دادن کارها علاقه و همت نشان می‌دهند. ولی اگر خدمتکار رفتار ناشایستی انجام دهد که بخشودنی نباشد باید هر چه سریع‌تر او را از خانه بیرون کنند (نک: همان: ۱۰۱).

البته خدمتکاران باید امنیت شغلی داشته باشند، چراکه با جابه‌جایی کمتر در شغل که بیانگر وجود امنیت شغلی است تخصصی‌شدن و خبرگی در کار پیش می‌آید و رضایت در شغل، خلاقیت در کار را باعث می‌شود که استحکام‌بخش امنیت شغلی خواهد بود. همچنین، عاطفی‌بودن محیط منزل، رضایت اقتصادی و احساس آرامش از جمله اموری است که امنیت شغلی فرد را تضمین می‌کند.

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت:

۱. انسان علاوه بر ابعاد فردی و اجتماعی دارای بُعدی بنیادین، یعنی بُعد خانوادگی و منزلی است. در این جنبه هویت او نه کاملاً فردی و نه صرفاً اجتماعی است. بنابراین، واجد حیثیتی متفاوت با دو حیثیت دیگر خویش است.
۲. از نظر ابن‌سینا، ازدواج وظیفه و تکلیفی است که به مقتضای فطرت، عقل، دین و دانش برای همه کس لازم است و آثار و نتایج بسیار مهم شخصی، نوعی، مادی و معنوی دارد. از جمله نتایج آن، بقای نوع انسان، تأمین نیاز جنسی، تأمین صحت مزاج و بهداشت روانی و حصول مکارم اخلاقی و برکات اقتصادی و اجتماعی است.
۳. ازدواج یکی از مهم‌ترین وظایف زندگی بشر است که فواید و نتایج گوناگون دارد. برای هر فرد لازم است به منظور بهره‌مندی از فواید و نتایج آن به این کار مهم اقدام کند.
۴. ابن‌سینا با تأکید فراوان بر محبت و الفت در خانواده و استمرار پیوند خانوادگی، طلاق را به صورت استثنایی و با شرایطی سنگین به پیروی از شرع مقدس اسلام می‌پذیرد. به نظر وی، باید تا حد ممکن برای صلح و سازش میان زوجین کوشید و فقط زمانی به جدایی رضایت داد که امیدی به سازش آنها نباشد. همچنین، طلاق نباید به دست زن باشد، بلکه باید در اختیار مرد باشد و در صورت فقدان تدبیر و تعقل کافی در مرد، باید به دست حاکم قرار گیرد. زیرا در استحکام خانواده نقش بسیار دارد.

۵. ابن سینا مسئولیت اصلی تربیت کودکان را متوجه والدین می‌داند و بر اساس مراحل رشد، وظایفی را مقرر کرده است. وی تربیت فرزندان شایسته و تحویل آنها به جامعه را از اهداف اساسی تشکیل خانواده بیان می‌کند.

۶. ابن سینا زن را شریک اقتصادی و امین مرد، همکار و یاور وی در اداره منزل و مایه آرامش و سکون او می‌داند، و نیازهای جنسی را امری طبیعی معرفی می‌کند که صرفاً باید از راه ازدواج برآورده شود.

۷. به نظر ابن سینا، برای تشکیل مدینه فاضله باید اصولی بر ازدواج حاکم باشد؛

الف. باید مردم را به ازدواج تشویق و ترغیب کرد تا بقای نوع بشر تضمین شود.

ب. ازدواج باید علنی و آشکار صورت گیرد تا نسبت‌های خانوادگی معین و مشخص باشد.

ج. سن ازدواج منوط به حدی از رشد جسمانی و عقلانی است که در آن، فرد در اداره خانواده موفق باشد.

د. ابن سینا به ویژگی‌های مطلوب برای زن اشاره می‌کند که اغلب از متون اصلی دین اسلام برگرفته شده است. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: عقل و زیرکی، حیا و دینداری، مهربانی و توانایی فرزندآوری، فرمان‌برداری و امین شوهر بودن، وقار، هیبت و تسلا بخش بودن برای همسر.

۸. به باور ابن سینا، تشکیل خانواده متضمن تولید نسل، دلیل روشنی بر اثبات خداوند، نمود کرامت انسان و تربیت فرزندان است که همه به صیانت از دین منجر می‌شود.

۹. در ساختار حکمی سینوی، کرامت انسان بستر ظهور و بروز روابط سالم انسانی بر پایه خردورزی و محبت است و تربیت به عنوان امر درجه دوم مأخوذ از آن است. ابن سینا با اشاره به لزوم حفظ کرامت انسان، ضرورت وفای به عهد، خردورزی و محبت پیشگی، وجود عقل سلیم در عقد و فسخ ازدواج و ترسیم چارچوبی معقول از نقش زن، مرد و فرزندان، درصدد تبیین اهمیت حفظ کانون خانواده بر مبنای اساسی‌ترین نیاز عقلانی و عاطفی انسان است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳)، *الاهیات دانش‌نامه علایی*، مقدمه، تصحیح و حواشی: محمد معین، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- _____ (۱۴۰۴)، *الشفاء (الاهیات)*، تحقیق: اب قنواتی و سعید زاید، القاهرة: الهيئة العامة للمطابع الاميرية.
- _____ (۱۴۰۵)، *منطق المشرقیین*، قم: کتاب‌خانه آیت‌الله مرعشی نجفی، (افست از روی چاپ مصر).
- _____ (۱۳۶۳)، *الشفاء (الاهیات)*، تحقیق: اب قنواتی و سعید زائد، تهران: ناصر خسرو.
- _____ (۱۹۸۸)، *فی السیاسة المنزلیة*، به کوشش: عبدالامیر شمس‌الدین، بی‌جا: شركة العالمية للكتاب.
- _____ (۱۹۸۵)، *کتاب السیاسة*، قاهره: دار العرب، الطبعة الثالثة.
- _____ (۲۰۰۷)، *کتاب السیاسة*، تقدیم و ضبط و تعلیق: علی محمد اسیر، سوریه: بدايات، جيله.
- _____ (۱۳۴۷)، *تدابیر المنازل او السیاسات الاهلیة*، به کوشش: جعفر نقدی، بغداد: المرشد.
- _____ (۱۳۱۸)، *تسع الرسائل فی الحکمة والطبیعیات*، بی‌جا: مطبعة گلزار حسنی.
- _____ (۱۴۰۲)، *مجموع فی السیاسة*، تحقیق: یوحنا قمیر، مصر: مؤسسة شباب الجامعة.
- _____ (۱۳۱۹)، *ابن‌سینا و تدبیر منزل*، ترجمه و نگارش: محمد نجمی زنجانی، تهران: مجمع ناشر کتاب.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش، چاپ هفتم.
- کرمانی، طوبی؛ سلگی، فاطمه (۱۳۹۲)، «تحلیل حیات خانوادگی (منزلی) انسان در حکمت عملی با تأکید بر آرای ابن‌سینا»، در: *فلسفه و کلام اسلامی*، س ۴۶، ش ۶، ص ۳.
- گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرت (۱۳۸۲)، *روان‌درمانی خانواده*، ترجمه: حمیدرضا حسین‌شاهی پرواتی، تهران: نشر روان.
- مجلسی، محمد باقر (بی‌تا)، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (علیهم‌السلام)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- *نهج البلاغه* (بی‌تا)، گردآورنده: سید رضی، ترجمه: محمد دشتی، قم: ارم.